

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نبرد با شیاطین

جزیره گرگ‌ها

دارن پشان

ترجمه فرزانه کریمی





سایه بازی

هیولایی پنج سر که بدنش شبیه گوش خزکی غول پیکر است، به من نزدیک می شود. من به هوا جست می زنم و طلسمی فلج کننده را رو به آن به کار می گیرم. بدن هیولا شق و رق می شود؛ وحشیانه می لرزد و بعد روی زمین ولو می شود. پاهای شکننده اش زیر سنگینی بدن فوق العاده عظیمش می لرزند. کِرِنل و برانابوس به حشره از پا افتاده حمله می کنند. بابی میلی جلو خمیازه ام را می گیرم و دنبال آنها می روم. باز هم یک روز کسل کننده دیگر مشغول کار.

یکی از سرهای هیولا شبیه سر کلاغ است، یک سر دیگرش شبیه سر لاشخور، و سه تا سر دیگرش شبیه سر هیچ موجودی روی زمین نیست. منقار پرنده مانندش را باز می کند و مایعی غلیظ و سبزرنگ را از دهانش بیرون می پاشد. برانابوس فوری